

من فاحشه‌ام- باران میلان



شرف " مرد" ام میان پاهای من نفس آخر می کشد .

هر روز فاحشه‌تر از روز پیش ام .

هر روز زنانگی ایی در من می میرد .

هر روز زنی از سلاله‌ی من خنجرِ ناموس میخورد .

به جای همه زنهای دنیا ،

مرا بکشید .

من با هر آنچه در این دنیاست ،

همخوابه‌ام .

من با غمِ نانِ همخوابه‌ام.

با بی وطنی همخوابه‌ام.

با تفنگت ،

با سنگرت ،

با آوارگی ات ،

سالهاست همخوابه‌ام .

با زخم‌هایت ،

با چرکِ رخت‌هایت ،

با آشپزخانه ، همخوابه‌ام .

من با قلم همخوابه‌ام.

با روی‌هایی که می نویسم،

با کتابِ شعرم، دور از چشمِ تو ،

همخوابه‌ام .

با تو که دوستت ندارم،

همخوابه‌ام .

از من فاحشه‌تر نخواهی یافت!

من با گل‌های یاس ،

با بوی باغ ،

با تن‌هایی ،

با جارو،

با اجاق،

با سماور،

با استکان چایی،

همخوابه‌ام .

امضا کنید .

لطفا یکی امضا اینجا !

نه ! نه ! یکی امضا آنجا !

25 نوامبر ،

طنزآمیز تر از هر روز .

به پیر امضا کنید !

به پیغمبر امضا کنید !

مرا که دین سنگسار کرد

که آنین ، در کیسه کرد

می کشند هنوز !

قبل از هر دیر شدنی .

هر روز خنجری بر گلویم است .

هر روز پتکی بر سرم فرود می آید.

هر روز سنگی بر سنگِ کله ام می خورد .

هر روز شرف میکشد مرا.

هر روز ناموس می زند مرا .

فاحشه تر از هر روز ام من امروز .

آنقدر با تنهایی بر روی یک بستر بوده ام ،

چیزی از شرافتت نمانده.

آنقدر با اندیشه ی عشقی،

که از من گرفته‌ای همبسترام ،

هر روز گر بکشی مرا، باز بی شرفی.

آنقدر کوله ی پشتم را در مرزها ،

به آغوش گرفته‌ام که دیگر ،
آغوشم بر تو باز نمیشود .

آنقدر حجاب گرفته‌ام که دیگر
زیبای ام به خواب هم نمی آید .

من هر روز فاحشه ترم.

من هر روز یک فاحشه‌ام .

من با غم کودک ، با قنداقش ،

با قنداق تفنگ تو ،

با بی آیندگی مان ،

با بی وطنی مان ،

با کیف مدرسه خالی شاگردم ،

با درد ، با زخم

با آه !

با رویای خوشیها

همخوابه‌ام .

بکش مرا

از من فاحشه‌تر ،

از زن کورد فاحشه‌تر نمی یابی.

به چشمان خسته ام بنگر

نگاهم را ببین

در آن خواهی یافت

"از ناموس کذایی ات خسته‌ام "

"از شرف عاريتى ات بيزارم"

بيزارم

بيزارم

بيزارم

کاتى بلاووننه: 27 Nov 2010 - 17:01:44

من قهحبهم- باران ميلان



وهرگيرانى: هيندى

شهره فى "پياو" هكهم ده نيوكه لندا ناويلكه دهدا.

ههموو رۆژئ له رۆژى بهرئ قهحبه ترم،
ههموو رۆژئ ژنايه تيبهك ده مندا دهرئ،
ههموو رۆژئ ژنيك له بهرهى من به خهنجهرى ناموس دهپيكرئ.

لهباتى ههموو ژنانى دنيا،
من بكووژن.
من ههرچيبهك لهو دنيايه دا بئ

دهستی دهگهل تیکهل دهکهم.

دهست دهگهل خهمی نان تیکهل دهکهم،
دهست دهگهل بیولاتی تیکهل دهکهم،
دهگهل چهکت،
دهگهل سهنگهرت،
دهگهل ناوارهییت،
سالانیکه دهست تیکهل دهکهم.

دهگهل زامهکانت،
دهگهل چلکی جلهکانت،
دهگهل ناشپهزخانه دهست تیکهل دهکهم.

من دهگهل قهلهم دهست تیکهل دهکهم،
دهگهل نهو خهونانهی دهیاننوسمهوه،
دهگهل کتیبی شیعرم، دوور له چاوی تو،
دهست تیکهل دهکهم.

دهگهل تو که خوشم ناوی،
دهست تیکهل دهکهم.
له من قهحبهترت لی ههئناکهوئ.

من دهگهل گولهباسهکان،
دهگهل بوئی باغ،
دهگهل تهنیایی،
دهگهل گهسک،
دهگهل ناورگ،
دهگهل سهماور،
دهگهل نیستیگانی چا،
دهست تیکهل دهکهم.

نیمزای کهن!
تکایه نیمزایهک لیره،
نا، نا، نیمزایهک لهوئ،
۲۵ ی نووامبر
به تیزتر له رۆژان.
تو سهری چاک و پیران نیمزای کهن!
تو سهری پیغهمبهران نیمزای کهن!

من که دین سهنگبارانی کردوم،
که نابین ده کیسهی ناخنیوم،
هیشتا دهمکووژن،

پیش نهوهی درهنگ بی.

ههموو رۆژئ خهنجهریکم له سهر نهوکه،
ههموو رۆژئ کوتکینک بهرهو سهرم دادههیلدرئ،
ههموو رۆژئ بهردیک وه کارهلاکی سهرم دهکهوئ،
ههموو رۆژئ شهرف دهمکووژئ،

هه موو روژئ نامووس لئمه دا.

له هه موو روژئیک قه حبه تره نه مرقو.

هئنده ده گهل ته نیایی ده نوینیکدا بووم،
هیچ له شهرا فتهت نه ماوه ته وه،
هئنده ده گهل بیری نهوینیک
که لیت زهوت کردووم دهستم تیکهل کردووه،
نه گهر هه موو روژئ بمکووژی دیسان بئشه رفی.

هئندهم باری کۆلم له سهر سنووران
ده نامیز گرتووه که نیتیر
نامیزم بو تو ناکرئته وه.

هئندهم خو داپوشیوه که نیتیر
جوانیم ده خهویش نایه.

من روژ ده گهل روژئ قه حبه تره.
من هه موو روژئ قه حبه یه کم.

من ده گهل غه می کۆریه، ده گهل قونداغه که ی،
ده گهل قونداغه ی تفهنگی تو،
ده گهل بی داهاتوو بیمان،
ده گهل بیولاییمان،
ده گهل کیفی بهتالی قوتابخانه ی قوتابییه که م،
ده گهل دهره، ده گهل برین،
ده گهل ناخ،
ده گهل خهونی خوشییه که م،
دهستم تیکهل کردووه.

بمکووژه!

له من قه حبه تره،

له ژنی کورد قه حبه تره لئ هه لئناکه وئ.

بروانه چاوه ماندوو هکانم!

نیگام ببینه!

بوته دهره که وئ

شه که ته زره نامووو ستم،

بیزارم له شه رفی خوازراوت،

بیزارم

بیزارم

بیزارم